نمادشناسی پرنده‌های کبوتر و عقاب در نقاشی‌های دفاع مقدس ایرج اسکندری

مینو خانی[۱*]

۱.استادیار رشته پژوهش هنر، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۰۲)

چکیده

ایرج اسکندری از هنرمندان معاصر است که هم‌زمان با جنگ هشت ساله آثاری با موضوع این جنگ خلق کرد. یکی از نمادهای مورد علاقهٔ وی، پرنده‌های کبوتر و عقاب هستند. هدف از انجام این تحقیق، پاسخ به این سوال بود: این پرنده‌ها در آثار این هنرمند برای بیان چه معنا و مفهومی بازنمایی شده‌اند؟ این تحقیق به روش نشانه‌شناسی چارلز سندرس پیرس انجام شد. این تحقیق، توصیفی-تحلیلی بود و اطلاعات به شیوهٔ کتابخانه‌ای و میدانی به‌دست آمد. در مقالهٔ حاضر، بعد از نگاهی به نظرات این هنرمند در خصوص هنر انقلاب و دفاع مقدس، ۱۳ پرده از آثاری که متاثر از جنگ خلق شده‌بود، بررسی گردید و شش اثر با نقش کبوتر و عقاب، برای بررسی عمیق‌تر انتخاب شد. بررسی‌ها نشان داد اسکندری در پرداخت به سوژه‌های متاثر از جنگ اصولا موضوع مورد نظر خود را به‌گونه‌ای جهان‌شمول مطرح می‌کند هم‌چون پردهٔ بمباران که برای نشان دادن معصومیت افراد درگیر در جنگ از کبوتر استفاده کرده‌است. این نگاه جهان‌شمول اسکندری در تقابل خیروشر با استفاده از دو پرندهٔ کبوتر، نماد صلح و عقاب، نماد امریکای امپریالیست در پرده‌های دفاع مقدس و نقاشی دیواری با همین عنوان بازنمایی شده‌است. در پردهٔ اسارت نیز، کبوتر غمگین در قفس در تقابل کبوترهای آزاد قرار گرفته تا سختی اسارت را نشان دهد.

واژه‌های کلیدی

ایرج اسکندری، نقاشی دفاع مقدس، کبوتر، عقاب، نشانه‌شناسی پیرس.

*نویسندهٔ مسئول: khanyminoo@gmail.com

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

مقدمه

بررسی تاریخ هنر سدهٔ اخیر نشان می‌دهد تحولات اجتماعی در جوامع مختلف باعث بروز و ظهور نوعی هنر شده‌است که بازتاب آن تحولات را در خود دارد. چراکه این تحولات به دلیل تاثیر شدیدی که بر تخیل هنرمند وارد می‌کند، بستر مناسبی برای خلق آثار هنری می‌شود. هنرمندان ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند. وقوع انقلاب این بستر را برای هنرمندان ایرانی فراهم کرد و باعث به‌وجود آمدن هنری شد که گرچه در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی ریشه دارد، با بروز جریانات انقلابی نضج گرفت و در سال‌های دفاع مقدس و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به شکوفایی رسید و در همهٔ شاخه‌های هنری جایگاه ویژه‌ای برای خود کسب کرد؛ موسیقی، هنرهای تجسمی، سینما، ادبیات و شعر از آن جمله‌اند.

تاریخ هنر انقلاب نام تعدادی از نقاشان را به‌عنوان پیشکسوتان و پرچمداران شکل‌گیری هنر اعتراض قبل از انقلاب و هنر انقلابی ثبت کرده‌است، از جمله کاظم چلیپا، حبیب‌الله صادقی، حسین خسروجردی، و... اغلب این هنرمندان که در سال ۱۳۵۶ سال دوم دانشگاه بودند، زیر نظر استادی هم‌چون هانیبال الخاص به خلق آثار فیگوراتیو و اجتماعی پرداختند؛ چیزی که بر شکل‌گیری ارتباط هنرمند با جامعه‌اش تاثیر به‌سزایی داشت. ایرج اسکندری دور از فضای دانشکده هنرهای زیبا و هانی‌بال الخاص و در دانشکده هنرهای ظریفه مشغول تحصیل بود، از این رویکرد بی‌بهره نبود. اولین تابلویی که وی با موضوع اجتماعی خلق کرد، پرده «کوراوغلو» برگرفته از ادبیات فولکلوریک آذربایجان است که فیگوراتیو و برگرفته از یك سوژهٔ اجتماعی است؛ راهی که اسکندری در ادامه با وقوع انقلاب و دفاع مقدس ادامه داد و آثار ماندگاری در این زمینه خلق کرد. پرترهٔ بزرگ امام (ره) که در روز راهپیمایی معروف عاشورا و تاسوعای سال ۱۳۵۷ پیشاپیش مردم در خیابان آزادی حمل می‌شد، یکی از اولین آثار این هنرمند با موضوع انقلاب است. در ادامه مسیر هنری، اسکندری به زبان و بیان هنری مختص خود دست یافت و این زبان با استفاده مکرر برخی نمادها و نشانه‌ها مشخص است. یکی از این نمادهای پرتکرار، خصوصا در آثاری با موضوع دفاع مقدس پرنده‌های کبوتر و عقاب هستند.

هدف از انجام این تحقیق، بررسی معنا و مفهوم ضمنی دو پرندهٔ کبوتر و عقاب در آثار این هنرمند با موضوع دفاع مقدس است. سوال تحقیق نیز عبارت است از: پرنده‌های کبوتر و عقاب در آثاری که این نماد در آن‌ها بازنمایی شده برای انتقال چه معنا و مفهومی بوده‌است؟

روش تحقیق

این مقاله از منظر هدف، کاربردی است و از منظر شیوه انجام، توصیفی-تحلیلی با تکیه بر روش نظری نشانه‌شناسی چارلز سندرس پیرس[۱] است که در ادامه به تفصیل توضیح داده‌می‌شود. اطلاعات نیز به دو شیوهٔ کتابخانه‌ای و میدانی (گفت‌وگوی محقق با هنرمند) به‌دست آمده‌است.

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد اسکندری در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ علاوه بر مجموعه طراحی‌های مدادی معروفش با موضوع دفاع مقدس، ۱۳ پرده متاثر از جنگ تحمیلی خلق کرده‌است. در این آثار که رویکرد هنرمند از فیگوراتیو تا انتزاع و سمبلیك دیده می‌شود، تکرار بازنمایی برخی نمادها از جمله پرنده‌های کبوتر و عقاب قابل توجه است. جامعه آماری این پژوهش ۱۳ اثر با موضوع دفاع مقدس است و حجم نمونه، شش اثر «بمباران» (۱۳۶۴)، «عیادت» (۱۳۶۵)، دو اثر با نام مشابه

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

«دفاع مقدس» (۱۳۶۵ و ۱۳۶۷)، نقاشی دیواری «دفاع مقدس» (۱۳۶۶) و پردهٔ «اسارت» (۱۳۶۷) است.

پیشینه تحقیق

بر اساس بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد مجید مزیدی شرف‌آبادی و سحر ذکاوت در مقاله «تحلیل آثار نقاشی ایرج اسکندری با تاکید بر موضوع هشت سال دفاع مقدس» (۱۴۰۰) را برای پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ششمین کنفرانس ملی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری انجام داده‌اند. سوال اصلی تحقیق آن‌ها این بوده‌است: ایرج اسکندری چگونه به موضوع هشت سال دفاع مقدس ایران پرداخته و ابعاد مختلف جنگ هشت ساله را چگونه بازنمایی کرده‌است؟ محققان ضمن بررسی پنج پرده از آثار این هنرمند، به این نتایج دست یافته‌اند: ایرج اسکندری مفاهیمی چون شجاعت، دلاوری و اتحاد مردم ایران، شهادت و شهدای گمنام، اسارت و ویرانی و بی‌خانمانی را در پنج اثر خود به تصویر کشیده‌است که ابعاد مختلفی از مصائب جنگ و اهمیت نقش شهیدان و رزمندگان را در هشت سال دفاع مقدس نشان می‌دهد.

نگارندهٔ مقالهٔ حاضر نیز در رسالهٔ دکترای خود، «بازتاب جنگ در نقاشی ایرانی بعد از ۱۹۸۱» که در سال ۲۰۱۴ (۱۹۹۳) در دانشگاه ایناکو/ پاریس دفاع کرد به آثار این هنرمند با موضوع دفاع مقدس و بازتاب جنگ در آثار پرداخته‌است. این رساله به زبان فرانسه است و فارسی آن فعلا در آثار منتشر شده فارسی وجود ندارد.

در برخی از منابع مثل «نقاشی انقلاب، هنر متعهد اجتماعی دینی در ایران» نوشته مرتضی گودرزی‌دیباج (۱۳۸۷) به احوال و موضوعات کلی آثار نام‌برده به‌طور مختصر اشاره شده‌است. البتهگفت‌وگویی با موضوع «ارتباط جنگ تحمیلی در آثار این هنرمند» در فصلنامه پژوهشی خیال شرقی (۱۳۸۷) منتشر شده‌است. متن یک سخنرانی تحت عنوان «حال و هوای جنگ در آثار نقاشی» نیز از وی در نشریه منظر، شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۵ در صفحات ۱۲۶ تا ۱۳۵ منتشر گردیده که طی همایش یک روزه «جنگ و منظر» در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ برگزار شده‌بود. اسکندری در این همایش به تشریح آثار و دست‌آوردهایش در طول سه دهه فعالیت در هنر انقلاب و دفاع مقدس پرداخته‌است.

شایان‌ذکر است که‌پژوهش‌های‌متعددی‌در‌خصوص هنر دفاع مقدس خصوصا نقاشی دفاع مقدس انجام شده‌است، از جمله: «هنر دفاع مقدس، هنر آشتی با مردم» (۱۳۸۱) نوشته سینا محمد که در نشریه پگاه حوزه شماره ۷۱ منتشر شده که نویسنده به شعر و سینمای دفاع مقدس پرداخته‌است. بهزاد محبی نیز در مقالهٔ «هنر نقاشی در دوران دفاع مقدس» (۱۳۸۸) که در نشریه کتاب ماه، شماره ۱۳۶ منتشر شده ضمن اشاراتی به نقاشی دفاع مقدس به سه پرده از سه هنرمند حسین خسروجردی، عبدالحمید قدیریان و مصطفی گودرزی پرداخته‌است. مقاله «تحلیل بازتاب جنگ در آثار نقاشی کاظم چلیپا با تاکید بر اساس نظر پانوفسکی (مطالعهٔ موردی: سه اثر با موضوع و محوریت نقش زن/ مادر)» (۱۳۹۶) نیز در نشریه باغ نظر شماره ۴۷ (۵۵-۷۰) نیز تحقیقی از مینو خانی، کریستف بالایی و مصطفی گودرزی است. اما تحقیقی با تاکید بر نشانه‌شناسی آثار ایرج اسکندری یافت نشد.

روش نظری تحقیق

در ارائه نظریه نشانه‌شناسی پیرس مباحث گسترده و عمیقی می‌توان طرح کرد. اما خلاصه نظریهٔ وی

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

دربارهٔ نشانه همان بحثی است که در طبقه‌بندی نشانه‌ها، جامع‌ترین طبقه‌بندی نشانه‌ها، انجام داده‌است.

پیرس از سه گونهٔ شمایل، نمایه و نماد برای تحقیق در پدیده‌های فرهنگی، مانند محصولات رسانه‌ای، صحبت می‌کند. شمایل، نشانه‌ای است که به مرجع خود به نحوی شباهت دارد. عکس چهرهٔ افراد، نگاره‌های دیداری‌ای هستند که چهرهٔ واقعی افراد را از منظر هنرمند نشان می‌دهند.

نمایه، نشانه‌ای است که دلالت به چیزی مرتبط با چیز دیگری دارد یا آن را خاطرنشان می‌سازد. نمایه‌ها، مانند شمایل به مرجع‌شان شباهت ندارند؛ بلکه از طریق آن‌ها می‌توان مرجع‌ها را شناخت یا دریافت که کجا هستند. بارزترین نمونهٔ نمایه‌ای بودن انسانی، انگشت اشاره است که مردم سراسر دنیا به شکلی مشخص و به‌طور گسترده از آن برای خاطرنشان ساختن یا نشان‌دادن محل چیزها، افراد یا رویدادها استفاده می‌کنند. نماد، نشانه‌ای است که بر چیزی و مبتنی بر قراردادی دل‌بخواهی دلالت دارد. کلمه‌ها به‌طورکلی نشانهٔ نمادین هستند، همین‌طور انواع ژست‌های دست (دانسی، ۱۳۸۸ : ۷۵).

ایرج اسکندری یکی از هنرمندان معاصر است که با استفاده از نمود (شمایل) تلاش دارد معنایی ورای آن‌چه دیده می‌شود، ارائه دهد. یکی از نمودهای مورد علاقهٔ او، دو پرنده کبوتر و عقاب است. کبوتر پرنده‌ای است که معنای روح حیات، جان، عبور از يك مرحله یا جهان به مرحله و جهان دیگر را معنی می‌دهد. هم‌چنین معصومیت، نجابت و صلح از دیگر معانی این پرنده است. کبوتر همراه با شاخه زیتون، نماد صلح و تجدید حیات و کبوتر سفید، مظهر پاکی است (کوپر، ۱۳۸۶: ۲۸۷).

عقاب نیز از دیرباز در میان اقوام و ملل مختلف، نماد اقتدار در عرصهٔ زمین و آسمان، مظهر اصل روحانی در انسانی است که می‌تواند به سوی آسمان‌ها اوج گیرد (همان: ۲۲۲). در اندیشهٔ ایرانیان باستان نیز نشان فرّ کیانی یا فرّ ایزدی بوده‌است. بر همین اساس، پادشاهان هخامنشی با این نماد پرچم خود را هویت بخشیدند. نمادی که گاه نیز به شکل عقابِ دو سر بر بیرق‌ها نقش بسته که از آن جمله به پرچم کوروش و داریوش اول می‌توان اشاره کرد. این نشان از سال ۱۷۸۲ به نماد ملی امریکا تبدیل شد. برای همین از بعد از انقلاب اسلامی ایران، به نماد امریکای امپریالیست تبدیل شده و برای ما ایرانیان، عقاب نماد خصلت‌های امریکای جهان‌خوار است.

ایرج اسکندری

ایرج اسکندری متولد ۱۳۳۵ در کاشمر است. دورهٔ تحصیلات متوسطه را در رشتهٔ طراحی نقشهٔ قالی در مشهد گذراند و در سال ۱۳۵۳ پس از اتمام تحصیلات دبیرستان، به دانشکده هنرهای تزیینی راه یافت و در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشتهٔ نقاشی شد. اسکندری برای طی دورهٔ کارشناسی ارشد به رشتهٔ مرمت آثار باستانی روی آورد. ولی این رشته را هم‌چون طرح‌های تجریدی قالی، زمینه مناسبی برای بیان احساساتش نیافت. پس از گذشت یک سال‌ونیم بعد از انقلاب و به دنبال تعطیلی دانشگاه‌ها در اوایل انقلاب برای ادامهٔ تحصیل به فرانسه رفت. از آن‌جا که دریافت موسسهٔ آلیانس که در آن مشغول آموختن زبان فرانسه بود به یهودی‌ها تعلق دارد، به ایران برگشت. اسکندری پس از بازگشت از فرانسه و با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به خدمت سربازی رفت و عهده‌دار تبلیغات ادارهٔ عقیدتی-سیاسی نیروی زمینی ارتش شد.

در سال ۱۳۶۱ و در دوران سربازی، به ارتش پیشنهاد

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

داد از طریق نقاشی دیواری، فرهنگ جنگ را به میان مردم ببرد. با موافقت ارتش و به همراه یکی از سربازان، وسایل را تهیه و طرح را آمادهٔ اجرا کرد. طرحی که بعد از انقلاب به دلیل سیاست «پاک‌سازی اثرات جنگ از شهرها» که در همهٔ کشورهای درگیر جنگ رخ می‌دهد، از روی دیوار پاك شد.

این هنرمند در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد و در سال ۱۳۸۴ موفق به اخذ مدرک دکترای خود در رشته پژوهش هنر از دانشگاه هنر شد، دانشگاهی که چندین سال (۱۳۷۷-۱۳۸۸) ریاست دانشکده هنرهای تجسمی آن را بر عهده داشت.

یکي از آثار اولیهٔ اسکندری تابلوی «دهقانان چنلی‌بل» یا «کورواغلو» است که چند ماه پیش از پیروزی انقلاب، یعنی در تیر ماه ۱۳۵۷ به‌عنوان پروژهٔ کارشناسی خود اجرا کرده‌است. دانشجویان برای این کار، باید از یک سمفونی الهام می‌گرفتند. برای همین اسکندری سمفونی کورواغلو را انتخاب و اثری خلق کرد که از نظر ترکیب‌بندی، رنگ و حتی اجرا در زمان انقلاب تابلوی قابل توجهی به‌شمار می‌رفت. تابلوی کورواغلو، تصویر واقعه‌ای است که در روستایی به نام چنلی‌بل در آذربایجان اتفاق افتاده و دهقانان در این روستا علیه خان شورش کردند. به تصویر کشیدن این داستان بر اساس اپرای کورواغلو که انسانی انقلابی بود، انجام گرفته‌است.

روند کاری اسکندری که از نقاشان فعال است، از فیگوراتیو به سمت انتزاع است. وی در ابتدای مسیر حرفه‌ای، آثاری فیگوراتیو و پر از عنصر در ارتباط با مضامین اجتماعی زمان خود خلق می‌کرد. سپس مسیری به سمت خلاصه‌شدن و حذف جزئیات، ساده‌سازی سطوح و اشکال طی کرد، رنگ از کارهایش کمتر و کمتر شد و سطح کارها به صورت سه بُعدی درآمد. حتی برخی از آثار وی به نقشبرجسته نزدیک می‌شود، مثل اثر «حلبچه». اسکندری در خلق آثار خود از مواد و مصالح متفاوتی استفاده می‌کند؛ از مداد و رنگ و روغن روی مقوا و بوم گرفته تا سفال روی چوب.

اسکندری نقاشی را با فیگور انسانی آغاز کرد ولی خیلی زود زبان و بیان هنری‌اش با نماد و نشانه دربارهٔ انسان سوق پیدا کرد. وی معتقد است: «رسالت نقاش، همانگونه که از عنوانش برمی‌آید جا انداختن نقش در ذهن مخاطب است. در واقع هنرمند، متعهد به هنر و به امری حقیقی است که این امر، ذات باری تعالی است؛ همان‌طور که در هنرهای دیگر چنین است. من فکر می‌کنم نقاشی به‌عنوان یك امر مستقل تعهد دارد؛ تعهد به تکنیك خود و خط و رنگی که می‌خواهد از طریق آن حرفش را بیان کند» (اسکندری، ۱۳۸۷: ۲۴۰).

به نظر وی نقاشی انقلاب، نقاشی‌ای در ارتباط با یک پدیدهٔ اجتماعی بود که در کشور اتفاق افتاد و بازتاب آن را در نقاشی‌های این دوران شاهد هستیم: «اگر بخواهیم تحلیلی راجع به نقاشی انقلاب داشته باشیم، باید بگوییم این نقاشی شامل آثاری در ارتباط با باورهای مذهبی، سنتی، دینی و فرهنگی مردم است. در انقلاب، با اندیشه و تفکر والایی از فلسفه و عرفان مواجه می‌شویم که برای اشاعهٔ آن به تکنیک بالایی در هنر نیازمند بودیم؛ چراکه اگر اندیشه‌ای قوی با تکنیک ضعیف ارائه شود تاثیر لازم را نخواهد داشت. اما متاسفانه [بلافاصله] پس از انقلاب با خلاء هنرمند حرفه‌ای مواجه شدیم. حرف برای گفتن زیادی بود، اما تکنیک ضعیف هنرمندان تازه‌کار [در آن زمان] مانع گفتار [قدرت‌مند] هنرمند می‌شد»

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

(اسکندری، ۱۳۶۴: ۲۷).

اسکندری معتقد است از آن‌جا که این انقلاب، انقلابی مذهبی و اسلامی بود، برای رسیدن به هویت ایرانی- اسلامی، باید به عرفان خود رجوع می‌کردیم: «[ما هنرمندان] باید ببینیم عرفان و ادبیات ما در گذشته چگونه بوده‌است... در نقاشی باید به آن حقیقتی که عرفا یا فلاسفه اشاره دارند، برسیم» (اسکندری، ۱۳۸۷: ۲۴۰).

این هنرمند در زمان تظاهرات انقلاب، پرتره‌هایی از امام (ره) ترسیم کرد که در جریان نهضت در اختیار تظاهرکنندگان قرار گرفت. یکی از این آثار، تابلویی است به ابعاد ۵*۸ متر که روی پارچه‌ای با رنگ سیاه اجرا شد و دانشجویان برای آن چارچوبی ساختند و روی چرخ گذاشتند و حین تظاهرات پیشاپیش مردم حرکت دادند. اثر دیگر نیز بعد از اجرا بر یکی از ساختمان‌های نیمه تمام نصب شد و با ورود امام (ره) به یکی از گل‌دسته‌های بهشت زهرا منتقل گردید و این‌قدر ماند تا باد و باران آن را از بین برد (تهران، ۱۳۸۹).

این هنرمند هم‌چون دیگر هنرمندان انقلاب، در سال‌های بعد از جنگ نیز بر اساس وقایع سیاسی- اجتماعی داخل و خارج از ایران به‌ویژه مقاومت مردم در فلسطین، حادثهٔ مکه، ارتحال حضرت امام (ره) و... آثاری خلق کرده‌است. اسکندری هنرمندی است که در تمام روزگار جنگ و بعد از آن قلم بر زمین نگذاشت و با اشتیاق فراوان در تمام سبک‌ها و با مواد و مصالح تازه دست به تجربه زد و به جست‌وجو و کشف راههای جدید برای انتقال مفاهیم مورد نظر خود ادامه داد.

پردهٔ بمباران (۱۳۶۴)

اسکندری در اولین پرده‌ای که متاثر از دفاع مقدس خلق کرد، موضوعی را انتخاب کرده که هر هنرمندی از آن تاثیر می‌گیرد و به خلق اثر می‌پردازد: زن و کودکی که بر اثر ویرانی‌های جنگ، آواره و بی‌خانمان شده‌اند. پردهٔ «بمباران» یکی از تلخ‌ترین آثار خلق شده در ارتباط با دفاع مقدس است. در پلان اول، زنی بی‌پناه و تنها با کودکی که سخت در آغوش گرفته دیده می‌شود. رنگ چادر زن، آبی است و لباسش، سرخ. کودک در آغوش در ملحفه سفید پیچیده شده‌است. در پس‌زمینه، خانه‌های آوار شده تصویر شده‌اند. در مقابل زن، درختی خشک که بر شاخه‌هایش تخم‌های کبوتری در لانه است تصویر شده و در شاخه بالاتر، کبوتر سفیدی نشسته که نگاهش به سوی زن است.

کلیت اثر، شمایل خرابی و ویرانی است. زن، کودک و پرنده نمایه بازماندگان از خرابی هستند و نماد مظلومیت. رنگ آبی چادر زن که توجه مخاطب را زودتر از رنگ‌های دیگر به خود جلب می‌کند، هم با خرابی پشت سر زن هم‌خوانی دارد و هم نشانه و مظهر خصلت شخصی عفیف است که هنرمند از آن به‌عنوان پوشش زن استفاده کرده‌است. کودک که خود مظهر پاکی و معصومیت است در ملحفه‌ای سفید پیچیده شده‌است و این سفیدی بر مظلومیت و بی‌گناهی او تاکید می‌کند. کبوتر سفید تنها بر درختی خشک و عریان، حس تلخ و دردآوری را به مخاطب منتقل می‌کند. این پرنده مظهر صلح و معصومیت است و به‌نظر می‌رسد هنرمند قصد داشته بر بی‌پناهی و معصومیت او و بازماندگان از جنگ و ویرانی تاکید کند. اسکندری از همهٔ این جزئیات برای بیان معصومیت و مظلومیت کسانی که جنگ بر آن‌ها آوار شده، استفاده کرده و با فضای تخریب شدهٔ پشت سر زن و درخت بی‌بار و برگ ارتباط برقرار کرده‌است. در عین حال، با کودک و تخم‌های کبوتر که نشانهٔ نسل بعد است، نوید زندگی و امید می‌دهد،

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

تصویر ۱. ایرج اسکندری، بمباران، ۱۳۶۴، رنگ روغن روی بوم، ۱۰۰ در ۱۵۰ سانتی‌متر (URL1).

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

خصوصا که نگاه زن به تخم‌های کبوتر دوخته شده و از سوی دیگر کودک را با همه وجودش در آغوش گرفته‌است.

بمباران که در نیمهٔ سال‌های جنگ خلق شده، موضوعی دارد که بسیاری از هنرمندان، چه در ایران و چه هر جای دیگر دنیا، آثاری با این نام و مضمون خلق کرده و می‌کنند و هر کدام به بیان و تصویرگری بخشی از خرابی‌ها و آوارهایی که بر سر مردم آمده، میپردازند. در این اثر، اسکندری نیز هم‌چون بسیاری از هنرمندان به بیان ساده و صریح خرابی‌ها و بی‌پناهی‌های مردمی پرداخته که جنگ بر سر آن‌ها آوار شده‌است، بدون این‌که از عنصر و نشانه خاصی در ارتباط با جنگ عراق علیه ایران استفاده کند و برای همین به‌نظر می‌رسد مقصود هنرمند بیان مظلومیت و بی‌پناهی جنگ‌زدگان (فارغ از ملیت) و البته امید به زندگی در سخت‌ترین شرایط است. اسکندری در این اثر با یک عنصر بسیار ساده که مفهومی جهان‌شمول دارد، به تصویر این حس و معنا پرداخته‌است: کبوتر سفید؛ پرنده‌ای که در بسیاری از آثار این هنرمند دیده می‌شود.

پردهٔ عیادت

پردهٔ «عیادت» (تصویر ۲) یکی از معروف‌ترین پرده‌های اسکندری است که در زمان خلق، واکنش‌های زیادی را در میان هنرمندان و منتقدان هنری برانگیخت. در این اثر، مجروحی بر تخت بیمارستان خوابیده و سرُمی به دستش وصل است. پنجرهٔ اتاق باز است و روشنایی روز بر او پرتو افکنده‌است. دو کبوتر بر شاخهٔ درختی درست روبه‌روی پنجره مشغول مغازله‌اند. دیوار اتاق بیمارستان پر از نقش‌ونگار گیاهی است و انگار ادامه همان شاخ و برگ درختی است که از پنجره دیده می‌شود. نورپردازی در پردهٔ عیادت به گونه‌ای است که آن را به دو بخش تاریک و روشن تقسیم کرده‌است.

تصویر ۲. ایرج اسکندری، عیادت، ۱۳۶۵، رنگ روغن روی بوم، ۱۰۰ در ۱۵۰ سانتی‌متر (URL1).

شمایل، مردی در بستر بیماری است. نمایه وجود بیماری است و نماد با توجه به محاسن و سربند مرد و ذهنیتی که از ظاهر رزمنده‌های زمان جنگ وجود دارد و آگاهی از زمان خلق اثر، رزمنده‌های جنگ عراق علیه ایران است. اما هنرمند با توجه به سطوح رنگی و پرنده‌ها و نوری که بر او تابانده، قصد داشته بر نور زیبایی که از پنجره بر پیکر بیجان مجروح افتاده، تاکید کند. نقاش با درخشش پرامیدی از نور، قصد داشته به مجروح جان تازه‌ای ببخشد و برای تاکید بیشتر بر نگاهش، دو کبوتر را که نشانهٔ عشق و عاطفه هستند، از پنجره به تماشا و عیادت از او نشانده‌است. خسروجردی دربارهٔ این اثر گفته است: «نیت نقاش در این اثر این بوده‌است که نوری که از پنجره می‌تابد، با هم‌نشینی دو کبوتر که در قالبی شاعرانه پهلو

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

گرفته‌اند، ترکیب شود. این اثر، حکایت از دفاع نقاش از زندگی دارد. اسکندری جنگ را با تمام وجود حس می‌کند، اما در دفاع از زندگی دست به خلق چنین اثر صمیمانه‌ای می‌زند» (خسروجردی، ۱۳۷۸: ۹۵).

پرده‌های دفاع مقدس

اسکندری در دو پردهٔ «دفاع مقدس» (تصویر ۳ و ۴) که در دو سال متفاوت (۱۳۶۵ و ۱۳۶۷) خلق کرده، یک محتوا، عناصر تصویری مشابه و ساختار مشابه به‌کار برده‌است. در هر دو اثر عقاب و کبوتر در مقابل هم تصویر شده‌اند. در اثر اول (تصویر ۳) دو پرنده دارای دست و پاهای انسانی هستند و دست‌های عقاب تیر خورده و بر روی سنگ صخره‌ها نشسته است و چنگال‌های خود را بر آن می‌فشارد. کبوتر در یک دست، شمشیر شکست‌های دارد و دست دیگر را به نشانهٔ برتری بالا گرفته‌است. پشت سر آن چند کبوتر دیگر در حال پروازند.

در اثر دوم (تصویر ۴)، بر پس‌زمینه‌ای سفید و مستطیل شکل، سایه یک عقاب نقش بسته است و در مقابل صفحهٔ سفید، عقاب سیاه رنگی با حالت تهاجمی رو به کبوتر سفیدی دارد که بر روی تخم‌های خود نشسته است. منقار هر دو پرنده باز است و انگار با هم گفت‌وگو می‌کنند.

شمایل در هر دو اثر، پرنده‌های کبوتر و عقاب هستند. نمایه، فضای جنگل در اثر اول و در فضایی آرام در اثر دوم است. نماد در هر دو اثر با توجه به نگاه‌ها، موضع‌گیری و تقابل دو پرنده، جنگ و درگیری است. به‌نظر می‌رسد این دو اثر کم‌گو و کم‌رنگ که نام «دفاع مقدس» را بر خود دارند، نمایان‌گر نیروهای خیروشّر در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است: عقاب نماد شّر و استکبار (امریکا) و کبوتر نماد خیر و دوستی و صلح در تقابل و رویارویی یکدیگرند. اثر اول در عین بیرنگی، سفیدی بر آن غلبه دارد و این حکایت از پیروزی نیروی خیر است. ضمن این‌که از نگاه و دست کبوتر نیز همین حس به مخاطب منتقل می‌شود. در اثر دوم حالت تهاجمی عقاب برتری دارد و این حالت از کبوتری که می‌خواهد از تخم‌های خود محافظت کند، بیشتر منتقل می‌شود.

از آن‌جا که بعد از قطعنامهٔ ۵۹۸، سازمان ملل نیز عراق را به‌عنوان متجاوز در جنگ هشت ساله شناخت، امری که از ایرانیان از ابتدا به آن باور عمیق داشتند، لذا این باور قبل از اعلام قطعنامه در آثار هنری بروز پیدا کرده‌بود. نیروهای ایرانی به‌عنوان نیروهای خواهان صلح که مجبور به دفاع بودند، شناخته شدند و نیروهای عراقی با حمایت کشورهای عربی و غربی، متجاوز و جنگ‌طلب. هنرمند با تکیه بر این باور دو اثر خلق کرده که نیروهای متجاوز و شّر را در برابر نیروهای مظلوم و خیر قرار داده‌است. علی‌رغم این‌که هیچ نشانه مستقیمی به جنگ هشت ساله در این دو اثر وجود ندارد و نگاه جهان‌شمول هنرمند در استفاده از پرنده‌های کبوتر و عقاب حس می‌شود، عنوان این دو اثر، کاملا مخاطب را به جنگ عراق علیه ایران ارجاع می‌دهد؛ کبوتر نماد نیروهای رزمنده که از کشور دفاع کردند و عقاب نماد نیروهای شّر و متجاوز به ایران.

گفتنی است اثر اول در سال ۱۳۶۵ به همراه آثاری از احمد آقاقلی‌زاده و مصطفی گودرزی در نمایشگاه بین‌المللی مسکو با عنوان «صلح» ارسال و هر سه اثر مورد تقدیر قرار گرفت.

پرده و نقاشی دیواری دفاع مقدس

پردهٔ «دفاع مقدس» (تصویر ۵) اثری با ابعاد بسیار بزرگ (۱*۹ متر) است که اسکندری آن را هم روی دیوار اجرا کرده و هم روی بوم. سربازان و رزمنده‌هایی

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

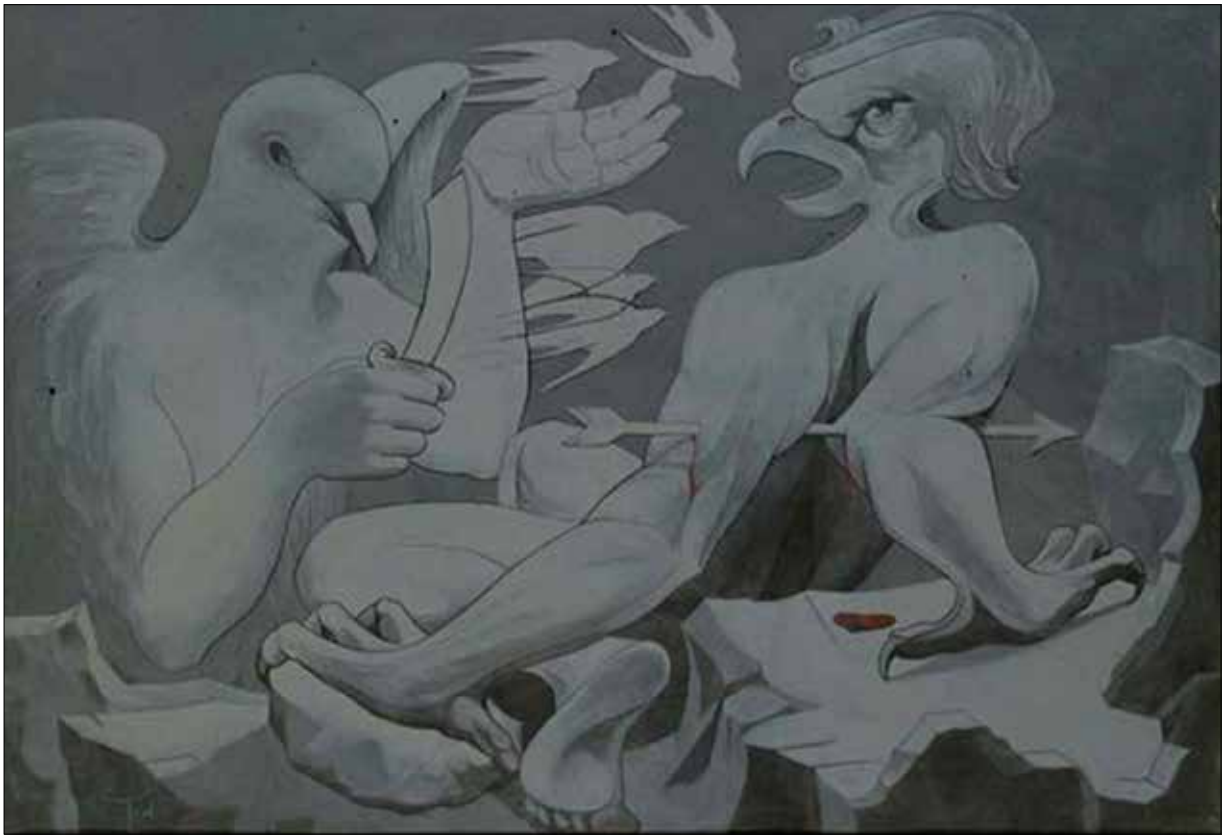

تصویر ۳ . ایرج اسکندری، دفاع مقدس، ۱۳۶۵، رنگ روغن روی بوم، ۱۳۰در۱۶۰ سانتی‌متر (URL1).

با چهره‌هایی خشن پرچم‌های الله‌اکبر و ایران در دست دارند و در دو سوی تابلو در حال حرکت به سمت مرکز اثر هستند. در میانهٔ تصویر، عقابی که بال‌های خود را گشوده، شاخهٔ نخلی در دهان دارد و در چنگال خود چند کبوتر نگه داشته‌است.

این تابلوی پرگو، پر از عناصر تصویری و رنگ با طراحی دقیق، برگشت هنرمند به آثار اولیه و فیگوراتیوش را نشان می‌دهد. اثر «دفاع مقدس» اثری روایی-نمادین است که با عقاب و کبوترهای در چنگالش به روشنی تقابل خیروشّر (هم‌چون دو اثر دیگر که ذکر آن رفت) را روایت می‌کند. رزمنده‌ها با پیشانی‌بند و پرچم در دست از سمت راست به سمت مرکز و به سوی عقاب می‌روند. اسب سفیدی در کنار رزمنده‌های سمت راست دیده می‌شود.

شمایل، مردانی خشمگین و در حال حرکت هستند. نمایه درگیری و جنگ است. نماد، تقابل نیروهای ایرانی و عراقی در جنگ هشت ساله هستند. خصوصا چون این اثر، اولین اثر اسکندری است که در آن هنرمند از نماد پیشانی‌بند رزمنده‌ها در جنگ هشت ساله استفاده کرده‌است. بدین‌ترتیب نه تنها آن‌ها را از نیروهای ارتشی متمایز کرده، بلکه قصد داشته‌است ارجاع مستقیم به جنگ هشت ساله بدهد. پرچم‌های

تصویر ۵. ایرج اسکندری، دفاع مقدس، ۱۳۶۶، رنگ روغن روی دیوار و بوم، ۱۰۰ در ۹۰۰ سانتی‌متر (URL1).

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

تصویر ۴. ایرج اسکندری، دفاع مقدس، ۱۳۶۷، رنگ روغن روی بوم، ابعاد نامشخص (URL1).

ایران و الله‌اکبر که در دو سوی تابلو در دست رزمنده‌ها دیده می‌شود، تاکیدی بر حس وطنپرستی و مذهبی رزمنده‌ها و همان وجه و حسی است که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران وجود داشت. در دو سمت تابلو، نیروهای ایرانی قرار گرفته‌اند و در میانهٔ تصویر، عقابی که پرنده‌ها در چنگالش اسیرند. بدین‌ترتیب، هنرمند مقاومت و دفاع از کشور در مقابل دشمن را روایت کرده‌است و از آن‌جا که در این جنگ عراق توسط کشورهای غربی، خصوصا امریکا به لحاظ تسلیحاتی و لجستیکی و هم‌چنین نیروی انسانی حمایت می‌شد، هنرمند پرندهٔ عقاب را که نماد امپریالیسم امریکاست، به‌عنوان نماد دشمن در این اثر بازنمایی کرده‌است.

هم‌چنین باید افزود اسب سفید در کنار رزمنده‌ها، این حس را ایجاد می‌کند که هنرمند قصد داشته خصوصیات این حیوان هم‌چون پاکی، عقل، زندگی و نور (کوپر، ۲۰: ۱۳۸۶) را به رزمنده‌ها نسبت بدهد. برش‌های تیز و زاویه‌دار در اثر که در بسیاری از آثار هنری کشورهای کمونیستی دیده می‌شود، این تصور را ایجاد می‌کند که هنرمند تا حدی تاثیر گرفته از هنر این کشورها بوده‌است. نیروهای رحمانی و حق آن نیز، مهربانی و ملاطفتی به مخاطب منتقل نمی‌کنند. هر چند هنرمند معتقد است که در نقاشی دیواری‌های کشورهای کمونیستی که انقلابی را تجربه کرده‌اند، اساساً همه چیز رئال است و چون به شیطان اعتقاد ندارند، موجودات تخیلی (عقاب و پرنده‌های در چنگال) دیده نمی‌شود (تهران، ۱۳۸۹).

سیدعلی میرفتاح، نقاش و منتقد هنر، دربارهٔ نقاشی دیواری‌های اسکندری تاکیدی بر نگاه هنرمند در خلق این اثر است: «بی‌تردید معروفترین کارهای اسکندری نقاشی‌های دیواری او هستند. نقاشی‌هایی با شخصیتهای خیروشّر: عقاب امپریالیسم و کبوتر سفید آزادی، موتورسوارهای جبهه با پیشانی‌بندهای سبز و قرمز، و پیرمردها و پیرزن‌های چادر به سر در حال تدارك خط مقدم، و قوس‌ها و سطوح رنگی و بسیار شبیه به نقاشی‌های انقلابی مکزیك. نقاشی‌های بعدتر او هم‌چنین‌اند و به اصطلاح دارای یك شخصیت کاری که بدون امضای هنرمند هم می‌شود فهمید که نقاش آن‌ها اسکندری است» (میرفتاح، ۱۳۷۲: ۸).

پردهٔ اسارت

پردهٔ «اسارت» (تصویر ۶) اثر نمادینی از این هنرمند است که بر تمایل هنرمند به کم‌گویی و بی‌رنگی تاکید می‌کند. اسکندری در این اثر با سادگی تمام و فقط با چند پرنده مفهوم آزادی و اسارت را به نمایش گذاشته‌است. میله‌های سیاه یک قفس بر پس‌زمینه‌ای سیاه، راه آزادی را بر پرنده‌ای بسته است. کبوتر سفید و مغمومی با چشم‌های باز روی

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

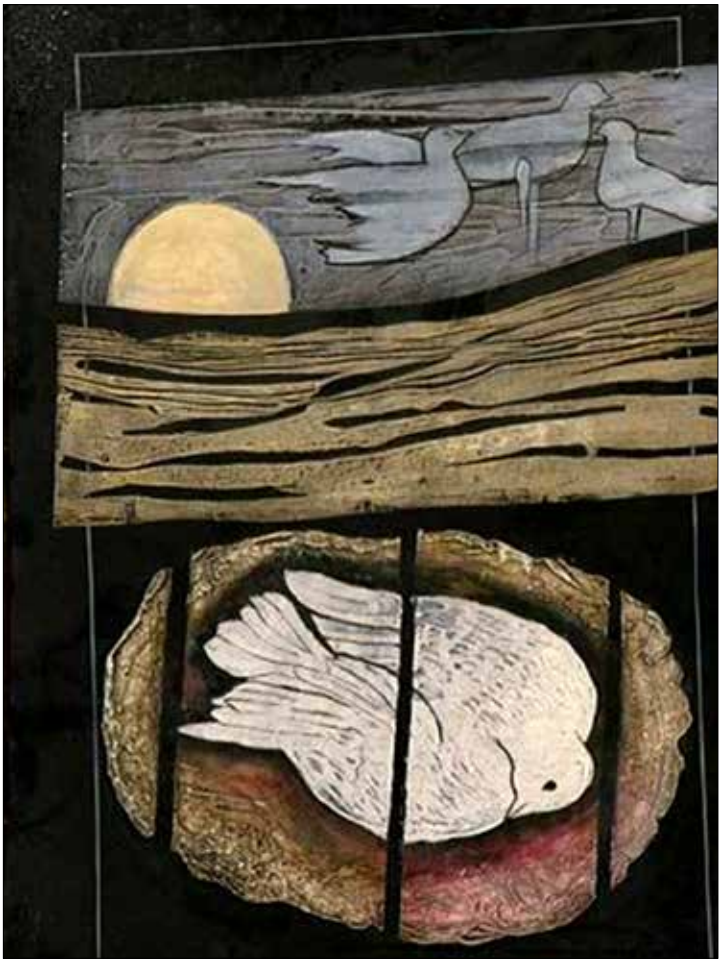

تصویر ۶. ایرج اسکندری، اسارت، ۱۳۷۰، رنگ روغن روی بوم، ۷۰ در ۱۰۰ سانتی‌متر (URL1).

لانه خود نشسته است. تنه یک درخت که به صورت افقی افتاده، تصویر را به دو قسمت تقسیم کرده‌است. در قسمت بالای تصویر بر پس‌زمینه‌ای سفید سه کبوتر سفید آزاد و خوشحال مشغول گفت‌وگو هستند. قرص ماه نیز از پس تنهٔ درخت نورافشانی می‌کند.

شمایل، کبوتران هستند و تنهٔ درخت و ماه. نمایه پرنده در قفس و بر شاخ درخت و نماد آزادی و اسارت و مظلومیت است. اسکندری در این اثر از پرندهٔ مورد علاقه‌اش، کبوتر سفید، استفاده کرده تا به‌طور کامل مفهوم اسارت را به مخاطب منتقل کند. سفیدی کبوتر در قفس بر پسزمینهٔ سیاه، نماد معصومیت اسیر و سیاهی پسزمینهٔ آن نماد سنگ‌دلی و قساوت اسیرکننده است. میله‌های سیاه قفس بر پس‌زمینه‌ای سیاه راه آزادی را بر پرنده بسته و او را ناتوان بر لانه انداخته‌است. کبوترهای سفید بر پسزمینهٔ سفید در بالای تصویر، پاکی، آزادگی و معصومیتی را منتقل می‌کنند که با نورافشانی ماه که مفهوم معنوی نور در تاریکی، معرفت باطنی وو چشم شب (کوپر، ۱۳۸۶: ۳۳۹) است، ارتباط معنایی برقرار می‌کند.

این اثر نمادین کم‌گو، بدون هیچ نشانه‌ای از جنگ تحمیلی هم‌چنان نگاه جهان‌شمول هنرمند در بازنمایی پرندهٔ کبوتر دارد. البته تاریخ آن سال آخر جنگ، یعنی ۱۳۶۷ است، می‌تواند دربارهٔ اسرای جنگ خلق شده باشد. در شرایطی که ایران در سال ۱۳۶۷ قطع‌نامهٔ ۵۹۸ را پذیرفت و جنگ خاتمه یافت، تکلیف اسرای جنگی نامشخص بود و هنوز دو کشور دربارهٔ آزادی آن‌ها به هیچ نتیجه‌ای نرسیده بودند. لذا هنرمند تحت شرایط حاکم بر جامعه که بسیاری از

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

مادران نگران بازگشت فرزندان و همسران در اسارات بودند، دست به خلق این اثر می‌زند.

بررسی آثار بعد از جنگ تحمیلی اسکندری نشان می‌دهد نماد کبوتر در آثار انتزاعی و بدون عنوان این هنرمند هم‌چنان مورد استفاده قرار گرفته‌است.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق، بررسی معنا و مفهوم ضمنی دو پرندهٔ کبوتر و عقاب در آثار این هنرمند با موضوع دفاع مقدس است. سوال تحقیق نیز عبارت است از: پرنده‌های کبوتر و عقاب در آثاری که این نماد در آن‌ها بازنمایی شده برای انتقال چه معنا و مفهومی بوده‌است؟ برای تحلیل از نشانه‌شناسی پیرس استفاده شد. پیرس در بحث خود در این زمینه نشانه را به سه دسته شمایل، تصویر اثر؛ نمایه، رابطه علت و معلولی آن و نماد، معنای ضمنی اثر تقسیم می‌کند.

در این مقاله ابتدا با بررسی آرا و نظرات هنرمند این نتایج حاصل شد: به نظر اسکندری نقاشی انقلاب، نقاشیای در ارتباط با این پدیدهٔ اجتماعی بود که در کشور رخ داد و بازتابش در نقاشی آن دوران دیده شد و چون این انقلاب، مذهبی و اسلامی بود، هنرمند برای رسیدن به هویت ایرانی-اسلامی باید به عرفان و ادبیات گذشتهٔ ایران تکیه می‌کرد.

سیر حرفه‌ای اسکندری از فیگوراتیو به سمت انتزاع و نمادین است و ساده‌سازی و حذف جزئیات و رنگ در اغلب آثار وی و خصوصا در آثاری با موضوع دفاع مقدس و آثاری که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شد، قابل توجه است. در عین حال در پرداخت به سوژه‌های متاثر از جنگ در اغلب اوقات موضوع مورد نظر خود را به گونه‌ای جهان‌شمول مطرح می‌کند. این نگاه در پردهٔ «بمبارن» دیده می‌شود. هنرمند خرابی حاصل از جنگ را بدون استفاده از عنصر و نماد خاصی که آن را به زمان و مکان خاصی ارجاع دهد، خلق کرده و برای نشان دادن معصومیت افراد درگیر در جنگ از کبوتر استفاده کرده‌است. این نگاه جهان‌شمول اسکندری در تقابل خیروشّر با استفاده از دو پرندهٔ کبوتر، نماد صلح و عقاب، نماد امریکای امپریالیست و نماد شّر در پرده‌های «دفاع مقدس» و نقاشی دیواری با همین عنوان بروز پیدا کرده‌است. در دو پردهٔ «دفاع مقدس» با تنها دو پرنده مذکور، هم‌چنان نگاه جهان‌شمولش را حفظ کرده اما با عنوانی که بر آثار خود گذاشته، ارجاع مستقیم به جنگ هشت ساله داده‌است. اتفاقی که در پردهٔ «اسارت» نیز مشهود است. کبوتر غمگین در قفس در تقابل کبوترهای آزاد قرار گرفته تا سختی و تلخی اسارت را نشان دهد. اما تاریخ خلق اثر، ۱۳۶۷ ارجاع ضمنی به اسرای جنگ عراق علیه ایران است.

پی‌نوشت

1- Charles Sanders Peirce

فهرست منابع

الف/ منابع فارسی

آدامز، لوری (۱۳۹۴)، **روش‌شناسی هنر**، ترجمهٔ علی معصومی، تهران: نظر.

اسکندری، ایرج (۱۳۸۷). «بازتاب پدیدههای اجتماعی در نقاشی»، خیال شرقی، دفتر چهارم، تهران، فرهنگستان هنر، ۲۳۴-۲۴۴.

اسکندری، ایرج (۱۳۶۴)، «هنرمند باید بیدارگر روح انسانها باشد»، فصلنامه هنر، شماره ۱۴ تابستان و پاییز، ۲۷.

خسروجردی، حسین (۱۳۷۸)، «بیست سال نقاشی انقلاب اسلامی»، فصلنامه طاووس، شماره ۲ سال اول، ۵-۹۴.

دانسی، مارسل (۱۳۸۸). **نشانه‌شناسی رسانه‌ها**، ترجمهٔ گودرز میرانی و بهزاد دوران، تهران: چاپار.

کوپر، جی سی (۱۳۸۶)، **فرهنگ مصور نمادهای سنتی**، ترجمهٔ ملیحه کرباسیان، تهران، فرهنگ نشر نو.

میرفتاح، سیدعلی (۱۳۷۲)، «یک بوم، دو هوا» هنر معاصر، شماره ۲ آذر و دی، ۸-۹.

ب/ مصاحبه محقق

اسکندری، ایرج، (۱۳۸۹)، «گفت‌وگو دربارهٔ نقاشی دفاع مقدس و آثار ایشان»، تهران: آتلیه هنرمند.

ج/ پایگاه اینترنتی

URL1 : https ://www.artymag.ir/artists/NqxL10/02/2020/ .

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]

Semiology of Pigeons and Eagles in the Works of Holy Defense of Iraj Eskandari

Minoo Khany
Assistant professor of Research of Art, Faculty of Human Sciences, Nourth Branch, University Azad Islamic, Tehran, Iran.

(Received: 25 Septembre 2025, Accepted: 24 Octobre 2025)

Abstract
The studies show that despite working on subjects related to war, Eskandari expresses his ideas in a universal way. For example in Iraj Eskandari is one of the masters of the visual arts who has created perdurable works of art, enriching Iran's artistic treasure after the 1979 Islamic Revolution. He made Kooroqloo which was inspired by the Kooroqloo Symphony, as his final project in the last year of university, and thus showed his interest in social subjects. He retained this interest later when he moved from making figurative paintings to making symbolic and abstract works of art. The purpose of this research is to analyze the reflection of war in the works of Iraj Eskandari, with an emphasis on the symbolic use of birds –dove and eagle- in his works. Here is the hypothesis of the research: Eskandari has symbolically used birds –particularly dove as a symbol of peace and purity- to express the oppression and innocence of the people suffering from war. Therefore the ideas and opinions of this artist about the works of art inspired by the revolution and the Holy Defense have been analyzed through reading 13 works by him which reflect the war. 5 out of 13 paintings were chosen for a detailed analysis, as Eskandari had used doves as symbols in them. The theoretical approach of the research is based on Erwin Panofsky's iconology and Charles Sanders Peirce's semiotics. The methodology of the research is content analysis, and the data was gathered through library research studies and interviews with the artist. *Bombardment*, he depicts the destruction of war, without including any sign or element that attaches it to a certain time and place; or he uses doves to show the innocence of the people affected by and suffering from the war. His universal view toward the confrontation of good and evil is shown by using dove as a symbol of peace, and eagle as a symbol of the imperialist America in his painting. In *Captivity* also we see a sorrowful dove in a cage and free doves in the sky, implying the hardship and sadness of the captivity of the prisoners of war.

Keywords
Iraj Eskandari, Islamic Revolution Art, paintings on the Holy Defense, Dove, Eagle.

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-06-10]